با حکم رئیس قوه قضاییه

قاضی موحدی راد رئیس کل دادگستری خراسان جنوبی شد

رئیس قوه قضاییه، طی حکمی روسای کل دادگستری استان‌های خراسان جنوبی و کرمان را منصوب کرد. به گزارش خراسان، با حکم حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه ای رئیس قوه قضاییه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین موحدی راد به عنوان رئیس کل دادگستری استان خراسان جنوبی منصوب شد.

قاضی علی موحدی راد معاونت دادستانی مشهد، دادستان زاهدان و ریاست شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان خراسان رضوی را در کارنامه قضایی خود دارد. رئیس قوه قضاییه همچنین در حکمی دیگر حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدی را به سمت ریاست کل دادگستری استان کرمان منصوب کرد.

حمیدی پیش از این ریاست کل دادگستری استان خراسان جنوبی را بر عهده داشته است.
همچنین یدا... موحد که پیش از این ریاست کل دادگستری استان کرمان را بر عهده داشت به عنوان عضو معاون دیوان عالی کشور منصوب شد.

گفت وگوی خراسان با سرکرده باند سرقت

رتبه ۱۳۶ کنکور ریاضی «دزد» شد!

اختصاصی خراسان

سید خلیل سجادپور - چندروز قبل نیروهای تجسس کلانتری سناباد مشهد، طرح ویژه ای را برای مبارزه با سرقت های خیابانی آغاز کردند. آن ها که با صدور دستوری از سوی سرهنگ حسین دهقان پور (رئیس پلیس مشهد) وارد یک عملیات ضربتی شده بودند، حوزه استحفاظی کلانتری را زیر چتر اطلاعاتی قرار دادند و به گشت زنی در کوچه پس کوچه ها پرداختند.

نیمه های شب بود که سرنشینان یک دستگاه سمند سفید رنگ وارد کمین نیروهای انتظامی شدند. آن ها که شماره های پلاک خودرو را با استفاده از دستمال کاغذی تغییر داده بودند، در حالی که قصد داشتند به اموال داخل یک دستگاه پژو ۲۰۶ پارک شده در حاشیه خیابان دستبرد بزنند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. در عملیات تعقیب و گریز که با هدایت مستقیم سرگرد «محمدباقر بهرازفر» (رئیس کلانتری سناباد) انجام شد، سه سرنشین سمند به دام افتادند که اعضای یک باند سرقت بودند. در بازرسی از خودروی سمند سارقان نیز مقادیر زیادی قطعات سرقتی کشف و ضبط شد. گزارش خراسان حاکی است: سرکرده معتاد این باند سرقت، پس از بررسی های روان شناختی در دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری، به سوالات خبرنگار خراسان درباره سرگذشت خود نیز پاسخ داد.

ما سه نفر بودیم، سه دوست صمیمی که از یکدیگر جدا نمی شدیم، علاقه عجیبی به هم داشتیم و بیشتر اوقات را در کنار یکدیگر سپری می کردیم تا این که روزی یکی از همکلاسی های ما در مدرسه به من و دوستانم سیگار تعارف کرد. آن زمان ۱۴ سال بیشتر نداشتم و در مقطع راهنمایی تحصیل می کردم. برای این که به دوستانم ثابت کنم «بزرگ شده ام»، نخ سیگار را از لای انگشتان او برداشتم و میان دو لبم گذاشتم. دوست دیگرم نیز یکی از آن سیگارهای تعارفی را برداشت ولی نفر سوم به راحتی «نه!» گفت و از کنار ما رفت! همین ماجرا سرآغاز خلافکاری های من و دوستم شد و...

به گزارش اختصاصی خراسان، سرکرده باند سرقت قطعات خودرو که دیگر اشک های گرم پهنای صورتش را پوشانده بود با این ادعا که رتبه ۱۳۶ کنکور در رشته ریاضی را به خود اختصاص داده است، نفس عمیقی کشید و به انتظار پرسش های خبرنگار خراسان نشست.

چند سال داری؟ ۲۳ ساله هستم.

اوضاع خانوادگی ات چگونه است؟ من فرزند آخر یک خانواده هشت نفره هستم اما در خانواده آبرومندی زندگی می کنم که از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار هستند. اگرچه پدرم بی سواد و مادرم خانه دار است اما هر کدام از خواهران و برادرانم تحصیلات عالیه دارند. یکی از آن ها وکیل، دیگری دندان پزشک و آن یکی هم مهندس است.

در مشهد به دنیا آمدی؟ بله! تا ۸ سال قبل در منطقه کوهسنگی زندگی می کردیم اما بعد از آن پدرم دچار ورشکستگی مالی شد و ما به ناچار در بولوار توس اقامت کردیم.

معتادی؟ الان شیشه و کریستال مصرف می کنم!

قبلا چه نوع موادی استعمال می کردی؟ به ترتیب از سیگار و مشروبات الکلی شروع شد تا به حشیش، شیره، تریاک و کریستال رسید.

خلافکاری را از چه زمانی آغاز کردی؟ از روزی که در ۱۴ سالگی دوستم آن سیگار لعنتی را به من تعارف کرد.

گفتی یکی از دوستان صمیمی تو آن روز سیگار نکشید! از او خبری داری؟

بله! آن دوستم از همان زمان که ما مصرف سیگار را شروع کردیم، آرام آرام از ما فاصله گرفت و به دنبال سرنوشت خودش رفت. او با کلمه «نه» آینده خودش را تضمین کرد. اکنون نیز در رشته مهندسی دانش آموخته شده و پست و مقام خوبی دارد.

دوست دیگری که آن روز او هم مانند تو سیگار تعارفی را کشید، چه شد؟

(با اشاره به یکی از اعضای باند سرقت که حلقه های قانون بر دستانش گره خورده بود) این همان دوست دوران نوجوانی من است که با هم در مدرسه سیگار می کشیدیم. بعد از آن هم مسیر تباهی و خلاف را طی کردیم تا امروز که دستان مان به یکدیگر گره خورده است!

تا کلاس چندم درس خواندی؟ دیپلم ریاضی گرفتم و در کنکور شرکت کردم.

قبول نشدی؟ چرا رتبه من در کنکور ریاضی ۱۳۶ بود. درواقع هر رشته ای را می توانستم در دانشگاه انتخاب کنم ولی شرایط زندگی مسیرم را تغییر داد.

چرا؟ بعد از ورشکستگی مالی پدرم، اوضاع ما به هم ریخت. من هم با آن که رتبه خوبی داشتم اما وارد بازار کار شدم تا درآمد کسب کنم!

سابقه هم داری؟ سابقه سرقت ندارم ولی به جرم رابطه نامشروع ۹۹ ضربه شلاق خورده ام.

مجردی؟ بله! ولی با زنی ارتباط داشتم که نمی دانستم هنوز در کشاکش طلاق است.

شغلت چیست؟ برنامه نویس کامپیوتر هستم و به ۱۲ زبان برنامه نویسی تسلط دارم. درآمدم نیز خوب بود.

از نحوه آشنایی خودت با آن زن جوان بگو؟ به خاطر تسلطی که به امور رایانه ای دارم در زمینه خرید و فروش ارز دیجیتالی هم فعالیت می کردم تا این که روزی یک دختر جوان برای آموزش در این باره نزد من آمد. او مدعی بود از همسرش طلاق گرفته است. من هم در اثنای این معاشرت و رفت و آمدها به او دل باختم و به اصطلاح «عاشق» شدم. بعد از آن هم او را به خانه مجردی ام بردم.

چه مدت با او ارتباط داشتی؟ از حدود دو سال قبل با هم آشنا شدیم ولی یک سال در کنار هم زندگی کردیم.

چگونه دستگیر شدی؟ ما در همان خانه مجردی بودیم که همسر آن زن متوجه شده بود و روزی با پلیس به سراغ مان آمد و آن جا بود که فهمیدم به من دروغ گفته و هنوز نتوانسته است طلاق خودش را بگیرد به همین دلیل هم هر کدام از ما به تحمل ۹۹ ضربه شلاق محکوم شدیم. او با همسرش از همان دوران نامزدی اختلاف داشت اما من حرف او را برای جدایی از همسرش باور کرده بودم.

بعد از ترک تحصیل چه می کردی؟ گفتم که آن زمان، پدرم دچار مشکلات مالی بود. من هم در شهربازی یک غرفه اجاره کرده بودم که درآمد خوبی داشت. درواقع به پول بیشتر نیاز داشتم تا درس و مشق! بعد از آن هم که کرونا شیوع پیدا کرد و با تعطیلی شهربازی، من بیشتر مسیر خلاف را در پیش گرفتم.

تا به حال تصمیم به ترک مواد مخدر گرفته ای؟ خانواده ام مرا در یکی از مراکز ترک اعتیاد بستری کردند. من هم حدود دو ماه بود که چیزی مصرف نمی کردم. از سوی دیگر ارتباطم با آن زن جوان قطع شده بود چرا که او هم شیشه مصرف می کرد و من وسوسه می شدم.

پس چه شد که دوباره معتاد شدی؟ بعد از گذشت دو ماه از این ماجرا، روزی سروکله آن زن دوباره پیدا شد! او برای تهیه مواد مخدر به سراغم آمد. من هم به دلیل علاقه ای که به او داشتم برایش شیشه تهیه می کردم که باز هم خودم آلوده شدم.

یعنی دوباره با همان زن ارتباط داشتی؟ مدت کوتاهی با او بودم چون دیگر طلاق گرفته بود اما خیلی زود فهمیدم او زمانی که من در مرکز ترک اعتیاد بستری بودم به سراغ یکی از دوستان صمیمی من رفته و مدتی با او زندگی می کرد. این ماجرا خیلی در روحیه شکننده من تاثیر گذاشت تا جایی که به استعمال «کریستال» روی آوردم.

چرا کریستال؟ چون می خواستم ماده جدیدی را تجربه کنم که مرا دگرگون کند و از آن وضعیت وحشتناک روحی بیرون بیایم!

فکر می کنی روش درستی را انتخاب کردی؟ نه! چون خودم را بدبخت تر کردم. حالا با مصرف کریستال، دچار توهم می شوم واحساس می کنم همواره کسی مرا تعقیب می کند!

خانواده ات اطلاع داشتند؟ بله! اول مادرم متوجه شد و به اعضای دیگر خانواده گفت که من دیگر کریستالی شده ام به همین دلیل و برای فرار از سرزنش های آنان، ارتباطم را با خانواده ام تقریبا قطع کردم به ویژه از زمانی که آن دختر شیطانی وارد زندگی ام شد.

با پدرت هم ارتباط نداشتی؟ پدرم به مواد مخدر سنتی اعتیاد دارد و از زمانی که دچار ورشکستگی مالی شد ارتباط عاطفی با او نداشتم اما مادرم برایم کم نمی گذاشت چه مادی و چه عاطفی!

مادرت تو را نصیحت نمی کرد؟ چرا! به همین دلیل خیلی از او خجالت می کشم. مرتب می گفت با این دوستانت بیرون نرو! روزی آبروی ما را می بری! که همین طور هم شد. مادرم ما را طوری تربیت کرده بود که حتی خودکار دوستم را هم بدون اجازه برنمی داشتم تا چه رسد به سرقت!

خلأ عاطفی هم داشتی؟ از سوی خانواده ام نه! ولی آن دختر مرا بیچاره کرد و در گیر خلأهای عاطفی و روحی شدیدی شدم. او زندگی من را به تباهی کشید و آسیب های زیادی به من وارد کرد.

چرا او را مقصر می دانی؟ البته مقصر اصلی خودم هستم که دل به یک زن خیابانی دادم اما او باعث شد شلاق بخورم، سابقه دار شوم، دوباره مواد مخدر مصرف کنم، از طرف خانواده ام طرد شوم و آخر کار هم آبرو و اعتبارم را از دست بدهم...

از رفتارهایت پشیمانی؟ روزی برادر بزرگم به خانه مجردی ام آمد تا مرا از آن دختر دور کند و من برادرم را از خانه بیرون انداختم ولی باز هم همان برادر به دادم رسید و مرا به مرکز ترک اعتیاد برد! حالا نه تنها پشیمانم که خیلی هم خجالت می کشم!

چه شد که باند سرقت تشکیل دادی؟ یک شب سه نفری پای بساط مواد مخدر نشسته بودیم که خیلی مصرف کردیم. من به پول نیازی نداشتم فقط به خاطر «هیجان» تصمیم به سرقت گرفتم چرا که همان شب وقتی از ساقی محله مواد گرفته بودیم در مسیر برگشت مرد خماری را کنار خیابان دیدم و نیمی از مواد مخدر را با او تقسیم کردم و حتی پول هم در اختیارش گذاشتم.

برای همدستانت هم پول مهم نبود؟ یکی از آن ها مغازه دار دو اوضاع مالی اش خیلی خوب است، همدست دیگرم نیز به تازگی از سفر خارج کشور برگشته و تنها برای تمدید پاسپورت این جا مانده بود.

خانواده ات اطلاع دارند که به جرم سرقت دستگیر شده ای؟ بله! وقتی به همراه ماموران کلانتری سناباد به منزل مان رفتیم تا آن جا را بازرسی کنند پدرم سرش را میان دو دستش گرفته بود و به من نگاه نمی کرد. به چشمان اشکبار مادرم نیز نمی توانستم نگاه کنم، از همه خجالت می کشیدم به دروغ گفتم اموال سرقتی داخل خودروی دوستم بود که مرا هم دستگیر کردند.

چه شد که به فکر سرقت از خودروها افتادید؟ فقط برای هیجان! با هم پای بساط صحبت می کردیم که یکی از دوستانم گفت من کلیپ باز کردن در خودروهای ۲۰۶ را دیدم و یاد گرفتم که چگونه می توان به راحتی آن را سرقت کرد. با همین گفت وگو به راه افتادیم و سیستم های صوتی را از روی خودروهای پژو ۲۰۶ باز می کردیم که در محاصره پلیس قرار گرفتیم.

نمی ترسیدید؟ چرا، سرقت اول ترس داشت اما بعد طبیعی شد یعنی اگر ماموران انتظامی ما را دستگیر نکرده بودند تا صبح به تعداد زیادی از خودروهای پژو دستبرد می زدیم.

کلام آخر؟ کاش زمان به عقب باز گردد و من در ۱۴ سالگی قرار بگیرم اما امروز دوست دارم مقابل مدارس راهنمایی و دبیرستان بروم و فریاد بزنم، آهای دوستان! بزرگ شدن به سیگار کشیدن نیست، باد به گلو انداختن نیست! به درست اندیشیدن است! می خواهم جیغ بکشم آهای عزیزان ۱۴ ساله، ما هم سه نفر بودیم که...

عکس‌ها: خراسان

در امتداد تاریکی

قصه ساختگی!

به دلیل آن که در ازدواج اولم شکست خورده بودم بلافاصله پیشنهاد ازدواج با پسر صاحبکارم را پذیرفتم اما طولی نکشید که... به گزارش خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۳۲ ساله ای است که مدعی بود به دلیل ترس از کتک کاری های همسرش از خانه فرار کرده و در مسافرخانه های مشهد سرگردان است. این زن جوان درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: ۱۷ ساله بودم که با «اسماعیل» ازدواج کردم و در شهرستان محل سکونت مان به تحصیل ادامه دادم ولی همسرم جوانی بیکار بود که هیچ مسئولیتی را در قبال خانواده اش احساس نمی کرد. این در حالی بود که من در رشته گل و گیاه وارد دانشگاه شده بودم و تامین هزینه های تحصیل برایم دشوار بود. اگرچه گاهی خانواده همسرم از نظر مالی به ما کمک می کردند اما در تنگنای اقتصادی شدیدی قرار داشتیم به همین دلیل مجبور شدم برای تامین هزینه های زندگی در یک مجموعه تولید ناهال کار کنم. بالاخره به هر سختی بود تحصیلات دانشگاهی ام به پایان رسید اما اختلافات خانوادگی بین من و اسماعیل هر روز بیشتر می شد. حالا صاحب دو فرزند شده بودم و نمی توانستم بیکاری همسرم را تحمل کنم به همین دلیل مدام در رفتار و گفتارم با او لجبازی می کردم. وقتی به خاطر حجاب یا آرایش مرا منع می کرد من هم در یک لجبازی احمقانه بر خلاف خواسته اش عمل می کردم تا این گونه از زندگی با او ابراز نارضایتی کنم. خلاصه این اختلافات و لجبازی ها به جایی رسید که مجبور به طلاق شدم، فرزندانم را به او سپردم و خودم به تنهایی عازم مشهد شدم تا در این جا با آرامش زندگی کنم. خیلی زود در یک گلخانه بزرگ مشغول کار شدم که در زمینه تولید و تکثیر گل های آپارتمانی فعالیت می کرد و مدتی بعد پسر صاحبکارم از من خواستگاری کرد. من هم که از ازدواج قبلی شکست خورده بودم و احساس تنهایی می کردم بدون تامل و تحقیق پیشنهادش را پذیرفتم و با دستپاچگی پاسخ مثبت دادم اما هنوز یک هفته بیشتر از ازدواج مان نگذشته بود که فهمیدم «هومن» به مواد مخدر صنعتی اعتیاد دارد و جوانی رفیق باز است. او هم مانند همسر سابقم بیکار است و من مجبورم در گلخانه پدرش کار کنم ولی او همواره مقابل تلویزیون نشسته و با دوستانش مشغول مصرف مواد مخدر است. یک روز وقتی به خانه آمدم زن جوانی را دیدم که کنار بساط همسرم نشسته بود. هومن وقتی با اعتراض من روبه رو شد با خونسردی گفت او همسر دوستم است که پس از مشاجره با شوهرش از خانه قهر کرده و نزد من آمده است، وقتی فریاد زدم این قصه ساختگی را باور نمی کنم، هومن کمربندش را کشید و مرا در حضور آن زن به شدت کتک زد به طوری که کتری آب جوش روی پاهایم ریخت. اگرچه او قبلا نیز خیلی مرا کتک زده بود اما این بار وقتی دید از شدت درد و سوزش پاهایم به خودم می پیچم هر چند ساعت یک قرص برای تسکین درد هایم به من می داد ولی طولی نکشید که متوجه شدم آن قرص ها داروهای مخدر دار بوده و همسرم قصد داشته است با این ترفند مرا معتاد کند به همین دلیل فرزندم را تحویل مادر شوهرم دادم و خودم از خانه فرار کردم. حالا هم در مسافرخانه های شهر سرگردانم و از دوری فرزندم رنج می برم اما نمی توانم دوباره به آن زندگی آشفته بازگردم و...

گزارش خراسان حاکی است با صدور دستوری از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) بررسی های کارشناسی و روان شناختی این پرونده به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد تا مشکل این زن جوان مورد واکاوی های علمی و تخصصی قرار گیرد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

مرگ ۳ کودک و یک معلم داخل هوتک در دشتیاری

نماینده سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان ها از مرگ چهار نفر بر اثر غرق شدن داخل هوتک در دشتیاری چابهار خبر داد. عزیزی در گفت و گو با ایلنا افزود: شنبه گذشته دو دانش آموز به نام های مریم و رقیه هوت از روستای سلور بازار دشتیاری که برای تهیه آب به هوتک رفته بودند داخل آن سقوط کردند و غرق شدند. معلمی ۳۰ ساله به نام یاسمین هوت برای نجات این دو دانش آموز به داخل هوت می‌رود اما وی نیز غرق می شود و جان می بازد. همچنین روز شنبه گذشته در روستای عیدو بازار کودک چهار ساله‌ای بر اثر سقوط در هوتک جان باخت.

عوامل زورگیری از یک زن در شهریار دستگیر شدند

دادستان شهریار از دستگیری عوامل زورگیری از یک زن در شهرک وائین شهریار خبر داد. به گزارش ایسنا، حمید عسکری پور افزود: پیرو فیلم منتشر شده در فضای مجازی مبنی بر سرقت به عنف از یک خانم در شهرک وائین شهریار، پس از صدور دستور قضایی متهمان شناسایی و بازداشت شدند. به گفته وی، پرونده در مرحله تکمیل تحقیقات مقدماتی است. پیش از این دادستان شهریار از تشکیل گروهی متشکل از ماموران زبده پلیس آگاهی برای دستگیری زورگیران خبر داده بود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر کلاسه ۱۴۰۰/۴۱۴ و رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۰۴۸۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیروان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قدرت اله عوض زاده فرزند نصرالله به شماره شناسنامه ۲۴۷۵ صادره از شیروان در ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۴۵۷.۹۱ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۹۶۹ فرعی از ۲۵ اصلی واقع در زوارم خراسان شمالی بخش ۵ قوچان حوزه ثبت ملک شیروان از محل مالکیت شیرخان یحیی زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

اکبر اقبالی رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان
۱۴۰۱۷۱۶۸۸/و

مـزایده اجاره واحد های تجاری
(نوبت دوم)

شهرداری فیروزه با توجه به مصوبه ۶/۲/۷۲ – ۱۴۰۱/۰۱/۳۱ شورای اسلامی شهر فیروزه قصد دارد ۴ واحد تجاری خیابان امام خمینی(ره) جنب میدان انقلاب و ۳ واحد تجاری ابتدای خیابان کمال الملک جنوبی و ۲ واحد تجاری پارک زائر جنب راهنمایی و رانندگی بلوار امام رضا(ع) را بصورت اجاره واگذار نماید.
متقاضیان بعد از چاپ نوبت دوم جهت دریافت اسناد مزایده به مدت ۱۰ روز کاری پس از انتشار به شهرداری فیروزه مراجعه نمایند. هزینه آگهی بعهده برنده مزایده (مستاجر) می باشد.
تلفن تماس مستقیم : ۴۳۵۲۲۳۵۵

هادی درودی – شهردار فیروزه
۱۴۰۱۷۱۵۸۱/ش

فراخوان مناقصه عمومی نوبت دوم« دو مرحله ای »

شرکت کشاورزی مدبر کشت توس (سهامی خاص)

در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت انجام کلیه خدمات مدیریتی ، نظارت در واحد گاوداری ۵۰۰ راسی خود بصورت مدیریت پیمان واقع در تایباد – کیلومتر ۱۵ جاده باخرز را از طریق مناقصه به اشخاص حقیقی شرایط را با هدف ارتقاء شاخص های عملکردی و تولیدی واگذار نماید. متقاضیان می توانند ضمن بازدید از مجموعه ،رزومه و برنامه های پیشنهادی خود را بصورت مکتوب از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۴۰۱/۰۳/۰۵ به نشانی ذیل ارسال و پیشنهادهای خود را تا پایان روز ذکر شده ارائه نمایند.
آدرس : تایباد کیلومتر ۱۵ جاده باخرز بعد از روستای خیرآباد گاوداری شرکت مدبر کشت توس (سهامی خاص)
تلفن تماس: ۰۵۱۵۴۶۶۳۷۷۰ الی ۳،آقای مهندس جهانگیر ۰۹۱۵۱۱۴۵۹۱۹ مدیر عامل، آقای عطاریانی ۰۹۱۲۹۳۸۵۲۶۸ مدیریت بازرگانی.
۱-مدت اجرا : از زمان انعقاد قرارداد به مدت یک سال شمسی
۲-مدارک مورد نیاز : رزومه کاری و برنامه های پیشنهادی – مدارک شرکت – اساسنامه و ...

۱۴۰۱۷۱۶۵۸/ف

مناقصه

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای
با ارزیابی کیفی پیمانکاران شماره: ۱۴۰۱/۳۱۳۷ – م/۱۷۰

شرکت ایران خودرو خراسان در نظر دارد حمل و نقل جاده ای داخلی جهت بارگیری کانتینرهای هایما از بنادر داخلی به سایت شرکت ایران خودرو خراسان و بازگشت کانتینرهای خالی از سایت ایران خودرو خراسان به بندر مبدا را به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید .سپرده شرکت در مناقصه ۹۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد .
متقاضیان می توانند جهت دریافت ، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۶ لغایت ۱۴۰۱/۰۳/۰۴ به شرح ذیل اقدام نمایند:
۱ - نحوه دریافت اسناد مناقصه: بصورت حضوری از واحد بازرگانی ایران خودرو خراسان در روزهای کاری از ساعت۸ الی۱۵ و یا از طریق سایت اینترنتی www.ikkco.ir و یا تماس با شماره های تلفن(۳۳۵۶۳۰۵۰ - ۰۵۱) و (۹-۳۳۵۶۳۵۰۱-۰۵۱ داخلی (۴۰۲۱))
۲ -محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه : شرکت ایران خودرو خراسان ، کیلومتر ۵۵ جاده مشهد-نیشابور دبیرخانه کمیسیون معاملات در روزهای کاری از ساعت۸ الی۱۵
لازم به توضیح است تاریخ بازگشایی پاکات الف و ب در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ ساعت ۱۴ می باشد .
(شرکت ایران خودروخراسان در رد یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است)
(هزینه درج یک نوبت آگهی روزنامه بر عهده برنده مناقصه است)

ارتباطات و امور بین الملل
۱۴۰۱۷۱۶۵۷/ش